

تاریخ وفات قاآنی و وصال

در شماره نهم از سال ۱۷ مجله ارمغان شرحی بقلم آقای روحانی وصال مدیر انجمن ادبی شیراز راجع به تاریخ وفات قاآنی و تعیین مدفن او طبع و انتشار یافت که از حیث موضوع قابل ملاحظه و دقت بود اما چند نکته در اطراف موضوع مقاله ایشان بنظر اینجانب رسیده که یاد آوری آن را خالی از فایده نمی داند:

تاریخ وفات قاآنی - آقای روحانی سال وفات قاآنی را بروایتی که از افراد خاندان وصال نقل شده و ماده تاریخ شاعری صابر تخلص آنرا اثبات میکند ۱۲۷۱ نوشته اند در صورتیکه بیشک وفات او در سال ۱۲۷۰ اتفاق افتاده و ماده تاریخ مجرم یزدی که معاصر و همکار و همشین او بوده ۲۲۷۰ را تعیین می نماید. موضوع سال وفات قاآنی در میان نویسندگان شیرازی و طهرانی مورد اختلاف قرار گرفته است فارسیان آنرا از ۱۲۷۱ تا ۱۲۷۳ نوشته اند:

- ۱ - روایت منقول از خاندان مرحوم وصال و شعر صابر چنانکه در ضمن مقاله آقای روحانی مشروحا ذکر شده ۱۲۷۱ است.
 - ۲ - میرزا آقای فرصت در آثار العجم می نویسد که «در سنه یک هزار و دوست و هفتاد و دو در دار الخلافه طهران در گذشت»
 - ۳ - نایب الصدر در طریق الحقایق مینگارد که «وفاتش بقول سال هزار و دوست و هفتاد و بروایتی هفتاد و سه بوده» است.
- اما نویسندگان طهرانی که با او از نزدیک آشنا و هنگام رفتنش با او در یک شهر بوده و از حالش آگاهی داشته اند متفقاً در سال ۱۲۷۰ مینگارند:
- ۱ - میرزا طاهر دیباچه نگار در گنج شایگان و مقدمه چاپ طهران

دیوان او چنین مینویسد :

« حکیم را منوالی حال در حضرت شاهزاده (اعتضاد السلطنه) برفاه عیش و فراغ بال بود و آنآ فانا بر رعایت شاهزاده نسبت باو میافزود تا سال هزار و دوست و هفتاد که بدرود جهان قانی نمود »

۲ - اعتضاد السلطنه در سالهای آخر عمر قآنی حامی و سرپرست یگانه این شاعر بود و همانطور که سرش از حمایت در بار بهره مند و شهاب اصفهانی مورد توجه خاص میرزا آقا خان نوری بود قآنی نیز در پناه سخن پروری اعتضاد السلطنه آسوده میزیست . حامی مزبور در مقاله ای که راجع به قآنی نوشته و در شماره ۴ از روزنامه ملتی مورخه جمعه غره رجب ۱۲۸۳ هجری انتشار یافته است گزارش سال آخر زندگانی قآنی را بدینسان مینگارد :

« در سال هزار و دوست و هفتاد هجری اولاً بمرض دماغی که قسمی از مایخولیا بود گرفتار شد بساهست که سبب ابتلای این مرض شدت «فکرو خیال است و بعد از چندی بمداوی میرزا احمد حکیمباشی کاشانی «از این مرض شفا یافت ولی در حالت مرض ناز پریشان گویش باشعار و «ادبیت راجع بود چه بیشتر اوقات فریاد زده و میگفت «شخصی دیوار را «سوراخ کرده مرا هدف گلوله می سازد و میگوید «توان ریخت خون به «آسانی - لیک سهل است قتل قآنی « و گاهی در فضای حیاط خود آمده «محض شدت قوه خیالیه اشخاص مختلفه بنظرش جاوه گر میگردد مانند «میرسم که شیرو پلنگ و سبع تخیل میکنند . از زبان عربی و فارسی و ترکی «باهر يك تکلم کردی و بزبان فرانسه و انگلیسی با اشخاص دیگر ، چه این «دو زبان را میدانست ولی نه بحدی که میرزا طاهر در گنج شایگان در

«تعریف زبان فرانسه او گفته که (در وقت تکلم معلوم نمیشد که گوینده «پارسی است، یا پارسی» البته او نیز معذور خواهد بود زیرا که از این «عوالم ربطی نداشت.» بالجمله چون قآنی از مرض مذکور شفا یافت مقارن بود با شهر رجب المرجب که در سیزدهم آن عید مولود «مسعود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بود حکیم این قصیده غرارا که در حقیقت بر بیشتر اشعارش امتیاز دارد سلك نظم کشیده اولاً در مجاسی «که من و امیر زاده اعظم محسن میرزا امیر آخور حضور داشتیم سزائید «همگی تحسین و تمجید کرده چون به این بیت رسید:

عیش جان در مرك تن بیم خرابم کن ز می

کاین حدیثم خوش لدو اللموت و انبو اللخراب

«من به میرزاده گفتم تطیری برای خود زده زمانی نگذشت که در گذشت رحمة الله علیه البته سعادت اخروی داشته که ختم بعقبت برگزیده پروردگار و سایه گرد گر بوده:

«میرزا عبد الوهاب متخصص بمجرم در تاریخ وفات او گفته است:

«قرین رحمت ایزد حکیم قآنی «۱۲۷۰» قصیده اینست:

خیمه زر بفت زد بر چرخ نیلی آفتاب

روز برند نبلگون آویخت بس زرین طناب الخ.»

۳ - هدایت در ضمن ترجمه بسر قآنی مینویسد:

«من بنده بحکم شاهنشاہ عصر مأمور بسفارت شدم و چون باز آمدم

«براست مدرسه نظامیه دار الفنون منصوب شدم حکیم قآنی بنزد من آمد

«و گفت محمد حسن قرزندم از شیراز آمده و ضبطی قوی و ذهنی دراک

«دارد بر آن سرم که او را بمدرسه آورم و تعالیم حساب و هندسه بیارم او را

« ترغیب کردم پس از چندی در گذشت و فرزندش بمدرسه آمد و تحصیل کرد » در ترجمه خود قآنی مینویسد :

« در سنه ۲۷۰ در گذشت . »

۴ - آقای حاجی سید یحیی دولت آبادی در مقاله که در سال اول مجله آینده راجع بقآنی انتشار یافت مینمکارد « که در سنه ۱۲۲۲ تا ۱۲۷۰ هجری زندگانی مینموده » از مقایسه این روایات معلوم میشود که وفات قآنی بیشک در سال ۱۲۷۰ اتفاق افتاده و این تاریخی است که مورد قبول نویسندگان تاریخ شعرای ایرانی از اروپایی و ایرانی قرار گرفته است .

چنانکه برون در جلد چهارم تاریخ ادبیات مینویسد :

« در سال ۱۲۷۰ هجری در طهران دار فانی را وداع گفته و بسوی

سرای جاودانی شتافت . » (صفحه ۲۹ ترجمه آقای سیف یور قاطی مدیرنامه باختر) یکی از سخن وران معاصر از قول یکی از استادان قرن پیش نقل میکرد که قآنی پس از آنکه سرش در نظر بزرگان عصر بر او برتری یافت و در مقابل یکمصد سوره هزار تومان وقآنی یکمصد تومان صلہ دریافت نمود از این پیش آمد چندان در دریای غم غوطه ور شد که رهائی از آنرا جز درستی دائمی ندید لذا در باده گساری افراط نمود و سرانجام استقامت مزاجش از این راه سستی یافت تا آنکه بهلاکتش انجامید این داستان بعینه همان قضیه ابتلای او بمرض دماغی است که در مقاله اعتراض الساطنه ذکر شده است .

اما از ماده تاریخ صابر شیرازی فهمیده میشود خبر وفات قآنی

که در اواخر سال ۱۲۷۰ واقع شده در آغاز سال ۱۲۷۱ بفارس رسیده و صابر مرثیه و ماده تاریخ خود را در این سال سروده است بدون آنکه دقتی

در تعیین تاریخ قطعی داشته باشد.

گفتار فرصت و نایب الصدر چون سالیانی دراز پس از مرگ او بدون استناد بمأخذ قدیمتری نوشته شده قابل مقایسه باروایت کسانی که زمان او را در یافته و سمت همدمی و همراهی او را داشته اند نیست.

مدفن قاآنی - قاآنی بشهادت عموم نویسندگان که شرح حال او را نوشته اند در طهران وقات یافته و چنانکه آقای دولت آبادی نوشته در زاویه حضرت عبد العظیم دفن شده است.

میرزا محمد رضای شیرازی ساکن طهران که همان از دودمان قاآنی است برای یکی از آشنایان اینجانب نقل کرده که عم سخنورش در زاویه حضرت عبد العظیم مدفون است اما محل قبر او را هنوز بدست نیاورده است یکی از خدام سالخورده آستانه حضرت عبد العظیم اظهار میداشت که در محل چراغخانه یا مقبره ابوالفتح دفن شده است بهر حال تعیین محل قطعی هنوز نشده و محتاج واریسی کامل میباشد.

چیزی که باید دآوری کرد، در اینکه مدفن او قصبه حضرت عبد العظیم است برای کسانی که بتاریخ زندگانی قاآنی آشنائی داشته و دارند ابدأ جای تردیدی نبوده و نیست.

تاریخ وفات وصال - آقای روحانی وفات وصال جد بزرگوار خردرا در سال ۱۲۶۴ (هزار و دو بیست و شصت و چهار) نوشته اند در صورتیکه باتفاق ارباب تذکره و نویسندگان تراجم شیرازی و طهرانی وصال در سال هزار و دو بیست و شصت و دو وفات نموده و در بقعه شاه چراغ دفن شده است. برای اینکه در تاریخ وفات مرحوم وصال مانند قاآنی اختلاف روایاتی رخ ندهد بتذکار این مطلب که خارج از اصل موضوع بوده پرداخت. طهران - فروردین ۱۳۱۶.

محمد محیط طباطبائی